



**تقابل غرب و روسیه در
اوراسیای مرکزی**

**نویسندگان: دکتر فخرالدین سلطانی
نیلوفر امیرایزدی**

انتشارات : رهام اندیشه

شابک: 1-72-8749-600-978

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۰۸۴۵۶

عنوان و نام پدیدآور: تقابل غرب و روسیه در اوراسیای مرکزی / نویسندگان فخرالدین سلطانی، نیلوفر امیرایزدی.

مشخصات نشر: کرج: رهام اندیشه، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۳۴ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م

موضوع: روسیه - روابط خارجی -- آسیای مرکزی

موضوع: Russia -- Foreign relations -- Asia, Central

موضوع: کشورهای غربی -- روابط خارجی -- آسیای مرکزی

موضوع: Western countries -- Foreign relations-- Asia, Central

موضوع: آسیای مرکزی -- روابط خارجی -- کشورهای غربی

رده بندی دیویی: ۳۳۰۵۸/۲۰۱

رده بندی کنگره: DS۳۳۰/۴/۳۰۷۸ ۱۳۹۷

سرشناسه: سلطانی، فخرالدین، ۱۳۵۷ -

شناسه افزوده: امیرایزدی، نیلوفر، ۱۳۶۱ -

وضعیت فهرست نویسی: چاپ

chapegandi@gmail.com

تقابل غرب و روسیه در اوراسیای مرکزی

نویسندگان: دکتر فخرالدین سلطانی، نیلوفر امیرایزدی

ناشر: رهام اندیشه

نوبت ۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحات: ۳۳۴ صفحه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۱-۷۲-۸۷۴۹-۶۰۰-۹۷۸

مرکز چاپ و نشر: کرج، میدان نبوت برج سفید طبقه چهارم

تلفن: ۰۹۲۱۲۰۸۴۵۰۰-۰۹۲۱۲۰۸۴۶۰۰-۰۹۲۱۲۰۸۴۷۰۰

فهرست عناوین

۱ مقدمه

فصل اول: مبانی نظری پژوهش رئالیسم نوکلاسیک

۲۱ مبانی نظری پژوهش رئالیسم نوکلاسیک

۲۴ بایسته های اساسی نظریه رئالیسم نوکلاسیک

۲۴ واقع گرایی

۳۰ نقد رئالیسم کلاسیک

۳۳ نو واقع گرایی

۴۲ نقد نظریه ی نو واقع گرایی

۴۳ واقع گرایی نوکلاسیک

۴۹ تفاوت واقع گرایی نوکلاسیک با رئالیسم کلاسیک

۵۰ رئالیسم تهاجمی

۵۲ رئالیسم تدافعی

۵۳ سیاست خارجی روسیه از دریچه ی رئالیسم نوکلاسیک

فصل دوم: اهمیت ژئوپلیتیک اوراسیای مرکزی

- ۶۱ مباحث نظری ژئوپلیتیک
- ۶۳ ساختار ژئوپلیتیک اوراسیای مرکزی
- ۶۷ مختصات سرزمینی
- ۶۷ منبع طبیعی
- ۷۰ دولتی ملی
- ۷۱ آسیای مرکزی: قدامت اوراسیا
- ۷۵ قفقاز: سرزمین منقسمه‌ای موثر
- ۷۷ فتح منطقه از طرف روسیه
- ۸۰ آسیای مرکزی در عصر شوروی
- ۸۲ آسیای مرکزی در عصر انقباض روسیه
- ۸۵ اهمیت اوراسیای مرکزی برای روسیه
- ۹۵ جمع بندی

فصل سوم: اوراسیاگرایی و سیاست خارجی روسیه

- ۹۷ مقدمه

- ۱۰۲..... رویکردها و برداشت روسیه نسبت به تهدید غرب
- ۱۰۶..... گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی روسیه
- ۱۰۷..... گفتمان یورو آتلانتیک گرایی
- ۱۱۱..... گفتمان اوراسیاگرایی
- ۱۱۳..... گفتمان ملل گرا
- ۱۱۴..... گفتمان انزیشه‌وار و نظام چند قطبی
- ۱۱۶..... گفتمان قدرت بزرگ چین و چهارمند
- ۱۲۰..... گفتمان واقع گرایی جدید
- ۱۲۱..... سیاست خارجی روسیه (۲۰۰۸ - ۲۰۰۰)
- ۱۲۲..... نظام سیاسی و جناح‌های قدرت در روسیه
- ۱۲۳..... سیلوویک‌ها: پیشینه اجتماعی، منافع و نگرش‌ها
- ۱۲۵..... سیلوویک‌ها و سیاست خارجی روسیه
- ۱۳۳..... دور دوم ریاست جمهوری پوتین (۲۰۰۴ - ۲۰۰۸)
- ۱۳۸..... نقش اوراسیاگرایی در سیاست خارجی روسیه
- ۱۵۱..... نو اوراسیاگرایی

۱۶۰		ویژگی‌های نو اوراسیاگرایی
۱۶۵		اهداف نو اوراسیاگرایان
۱۷۶		دوگین و احیای اوراسیاگرایی
۱۸۳		بررسی دکترین‌های نظامی روسیه
۱۹۷		پوتین و اوراسیاگرایی
۲۰۲		جمع‌بندی

فصل چهارم: بحال روسیه و غرب در اوراسیای مرکزی

۲۰۵		مقدمه
۲۰۷		روسیه و فروپاشی شوروی
۲۰۸		ناکامی‌های راهبردی روسیه؛ همگرایی با غرب
۲۰۹		تهدید غرب و واکنش روسیه در اوراسیا
۲۱۸		روسیه و ناتو؛ تقابلی دائمی
۲۲۲		گسترش ناتو به شرق و واکنش روسیه
۲۲۹		برنامه مشارکت برای صلح
۲۳۱		پایان جنگ سرد و تحولات ناتو

- ۲۳۴..... غرب‌گرایی در سیاست خارجی روسیه و گسترش ناتو
- ۲۳۵..... آغاز مقاومت در مقابل گسترش ناتو
- ۲۴۳..... همکاری و مقاومت در برابر ناتو
- ۲۴۸..... ناتو در افغانستان
- ۲۵۰..... روسیه و ناتو: دورهٔ تقابل
- ۲۵۳..... سیاست خرج روسیه در برابر گسترش ناتو
- ۲۵۴..... حضور ناتو در منطقه اوراسیا
- ۲۵۷..... روسیه و اتحادیه اروپا
- ۲۶۶..... استراتژی اتحادیه اروپا در منطقه اوراسیا
- ۲۷۲..... تقابل آمریکا و روسیه در منطقه اوراسیا
- ۲۷۳..... شکست ری ست و افزایش تنش میان روسیه و آمریکا
- ۲۸۲..... سپر موشکی
- ۲۸۵..... پیمان جایگزین استارت ۱
- ۲۸۷..... سیاست‌های راهبردی روسیه در منطقه اوراسیا
- ۲۹۱..... روسیه و بحران اوکراین

سیاست خاورمیانه‌ای روسیه؛ حضور نظامی در سوریه؛ تقابل با غرب و ناتو ۳۱۰

چشم انداز ۳۱۳

جمع بندی ۳۲۸

منابع ۳۴۱

www.ketab.ir

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر در ماهیت نظام بین الملل پیامدهای منفی زیادی را برای روسیه به همراه داشت. با تبدیل نظام دو قطبی به تک قطبی کشورهای زیر سلطه شوروی به استقلال رسیدند و روابط تجاری و سیاسی خود را با غرب به خصوص آمریکا آغاز کردند. اما روسیه که به دنبال بازگشت به قدرت دوران امپراتوری شوروی است در مقابل نفوذ کشورهای غربی در جمهوری های جدا شده از این کشور به شدت مقابله کرده و درصدد است تا با اتخاذ تدابیر مناسب، ثن از این سلطه گری جلوگیری نماید. یکی از این مناطق مهم که در حیات سلطوت روسیه قرار می گیرد اوراسیای مرکزی است. این منطقه از دیرباز مورد توجه قدرت های بزرگ بوده است و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اوراسیای مرکزی صحنه رقابت قدرت های منطقه ای و جهانی شده است. اوراسیای مرکزی به عنوان منطقه اتصال اروپا و آسیا بخش مهمی از اقتصاد جهانی را تشکیل می دهد. منافع جغرافیایی اوراسیای مرکزی و ثروت های طبیعی این منطقه بر اهمیت آن افزوده است و فرصت قابل توجهی را برای یک سرمایه گذاری استراتژیک فراهم کرده است. در زمان های قدیم اوراسیا بخش عمده ای از جاده ابریشم یکی از مسیرهای حیاتی برای تجارت را در بر می گرفته است. به گفته بانک جهانی، اوراسیا یکی از ثروتمندترین مناطق از نظر منابع طبیعی با ۳۱ درصد از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی و ۱۷ درصد از ذخایر نفت است. مسکو این منطقه را حوزه «منافع حیاتی» خود می داند و تامین امنیت و حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی کشورهای این منطقه برای آن اهمیت بسیاری دارد. به این ترتیب روسیه برای خود «مسئولیت امنیتی ویژه» قائل است. حتی نگاه روسیه به این مناطق باعث خلق مفهوم جدید در سیاست امنیتی روسیه شده است، یعنی «آیین مونروئه روسی» که بر اساس این مفهوم

روسیه نه تنها دیگران را از دخالت در این مناطق باز می‌دارد بلکه حق مداخله برای خود را در جمهوری‌های تازه استقلال یافته، بر اساس منافع ویژه خود محفوظ می‌دارد. از دیدگاه «مایکل ریوکین» جمهوری تازه استقلال یافته برای روسیه درست مانند کشورهای حوزه کارائیب هستند که زیر سلطه آمریکا قرار دارند. واژه‌های اوراسیا و اوراسیاگرایی از سال ۱۹۹۱ در حوزه‌های روشنفکری و سیاسی پس از شوروی مطرح شده‌اند. براساس این مفاهیم، روسیه و کشورهای حاشیه آن، جایگاهی دوگانه یا واسط میان اروپا و آسیا دارند و فرهنگ آنها میزه‌ای از فرهنگ مردمان اسلاو و مسلمانان ترک است. اوراسیاگرایان با نگاه پیرامان به شرق و غرب سیاست خود را در حوزه جهان شمولی تعریف کردند. اوراسیایی‌ها به ویژگی‌ها و مشخصات جغرافیایی و قومی روسیه به خصوص موقعیت میانی آن بین اروپا و آسیا اشاره می‌کردند اگرچه مناظره اسلاوگرایان با غرب گرایان را می‌توان نخستین مباحثه آشکار میان روس‌ها درباره هویت ملی و آینده سیاسی این کشور تلقی نمود، اما در سال‌های پس از فروپاشی شوروی، آنچه بیش از همه ذهن روس‌ها را به خود مشغول کرده، تقابل و مناظره غرب‌گرایی و اوراسیایی‌گری است. در واقع اصلی‌ترین تر اوراسیاگرایی محکوم کردن امپراتوری معرفت‌ساختی غرب بود. اوراسیاگرایان با به کارگیری مفاهیم خاص این مکتب برای تائید تسلط جهان، چنین استدلال می‌کردند که اروپا تنوع تمدن‌ها را بر نمی‌تابد و برای پیشرفت و توسعه یافتگی یا عقب ماندگی سیاسی و اقتصادی معیار تعیین می‌کند. پس آنکه به زعم ایشان اروپا، مرحله یا وضعیتی از توسعه نیست که همه ملت‌ها ناگزیر باید به آن برسند، بلکه شیوه‌ی معینی از توسعه است که امکان بازتولید آن وجود ندارد. از نگاه تاریخ‌گرایانه‌ی غربی، روسیه کشوری عقب مانده است، اما اوراسیاگرایان بر این نظر بودند که روسیه باید هر آنچه را از غرب آموخته‌اند

کنار بگذارد و خود را از منظری جغرافیایی بنگرد. اوراسیاگرایان با در نظر داشتن شرایط ژئوپلیتیک روسیه و میراث تاریخی آن نقش متمایز روسیه را مد نظر قرار می‌دهند. دیدگاه «سرگئی استانکویچ» مشاور پیشین یلتسین در این راستا قابل اشاره می‌باشد. وی نیاز روسیه به یک رسالت تاریخی را مطرح ساخت که فراتر از فرصت طلبی‌های ملی‌گرایانه است و بر نقش روسیه به عنوان یک پل میان شرق و غرب تأکید نمود. از سال ۲۰۰۸ مسئله اوراسیاگرایی در سیاست خارجی روسیه نقش ویژه‌ای پیدا کرد. پیش از وقوع بحران کریم در سال ۲۰۱۳، سند مفهوم سیاست خارجی روسیه بر توسعه همکاری‌ها با شرکای عضو سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به عنوان پایه‌ای برای افزایش تعامل منطقه‌ای و نگاه ویژه به روابط با اوکراین به عنوان یک شریک مهم برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای روسیه تأکید کرده است. با توجه به این اسناد، هدف استراتژیک روسیه تبدیل شدن به یک قدرت جهانی مورد احترام همراه با نفوذ روسیه در مناطق جهان به خصوص در حیات خلوت خود می‌باشد. با تصویب این اسناد و جمع‌انگیزی گروه‌های مختلف در این کشور ایجاد شده که روسیه باید به عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای و به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی شناخته شود. در دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، مدل یا گفتمان اوراسیاگرایی در روسیه احیا شد. در قالب رویکرد اوراسیاگرایی، فضای فیزیکی، منابع ملی، قدرت نظامی و کنترل مستقیم بر سرزمین اهمیت دارد و همچنان امکان تعریف منافع ملی براساس ایجاد قطب‌های نظامی و سیاسی وجود دارد. در قالب مدل اوراسیاگرایی می‌توان از ژئوپلیتیک عمل‌گرایانه یا سازگاری سازنده نیز نام برد. این رویکرد در دوره پوتین مطرح شد. در حالی که در دوره یلتسین، روسیه کاهش فضای استراتژیک خود را تجربه می‌کرد، در دوره پوتین، احیای روح و سیاست

اوراسیایی اهمیت یافت. روسیه خود را پلی میان قاره ها می بیند که دسترسی به بازارهای جهانی از اروپا تا اقیانوسیه را تسهیل می کند. در قرن بیست و یک، اوراسیاگرایی بیش از همیشه به عنوان مدل درگیری استراتژیک روسیه به میان آمده است. از جمله ویژگی های مدل اوراسیاگرایی یا ژئوپولیتیک عمل گرایانه عبارت اند از: کارآمدی اقتصادی؛ بهره گیری کارآمدتر از میراث ژئوپولیتیک شوروی؛ نگاه به تسلیحات هسته ای به منزله عنصر اساسی بازدارندگی؛ بهره گیری حداکثری از رای ژئواکونومیک؛ عمل گرایی، از جمله به شکل بازسازی روابط با متحدین سابق و توسعه ژئوپولیتیک از طریق گسترش حضور و تقویت پایگاه های نظامی در خارج. عیای اوراسیاگرایی در روسیه پس از شوروی تا اندازه زیادی از خشم برآمده از فروپاشی امپراتوری و روس هراسی نخبگان جدید لیبرال و غرب گرا ناشی می شد. این رو احیای قدرت روسیه، همواره یکی از مهم ترین اهداف نو اوراسیایی بود. است به خصوص پس از مجموعه حوادثی که در سال ۱۹۹۹ به وقوع پیوست و متعاقب آن، شکافی که میان روسیه و غرب ایجاد شد، علاوه بر آنکه دوطرف را به مرز رویارویی نظامی پیش برد، تفکر احیای قدرت روسیه در نظام بین الملل را نیز احیا نمود. از سوی دیگر روی کار آمدن پوتین در آستانه سال ۲۰۰۰، ششیتی را تداعی کرد که می توانست غرور از دست رفته مردم روسیه را به عنوان شهروندان یک ابرقدرت پیشین در عرصه سیاست خارجی بازگرداند. در واقع رأی مردم به رئیس نشان از امید آنها به بازسازی عظمت از دست رفته داشت. بخش اعظم مشروطه سیاسی پوتین ناشی از موضع انتقادی تند او از سیاست های دهه ۱۹۹۰ غرب بود که از آن به عنوان «دوره هرج و مرج و تباهی» یاد می شد. به طور کلی تحولی که در روسیه طی سالهای زمامداری ولادیمیر پوتین از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ اتفاق افتاد، نشان داد که روسیه به لطف درایت رهبر نیرومند خود توانسته

موقعیتی ایجاد کند که در روابط بین‌الملل به ایفای نقش موثر بپردازد. به نحوی که پوتین بارها بر سیاست خارجی مستقل روسیه تأکید کرد و اقدامات آمریکا را در جهان محکوم نمود. این موضوع باعث شد که برخی تحلیل‌گران از بازگشت «جنگ سرد جدید» سخن بگویند. اگرچه استفاده از این واژگان درست نبود، اما واقعیت آن بود که روسیه نسبت به سال‌های پیش تفاوت کرده و سیاستی منطبق بر یک ابرقدرت هسته‌ای، یک ابرقدرت انرژی و یک قدرت بزرگ جهانی در پیش گرفته است. این روند نه تنها در دوران زمامداری دیمیتری مدویدوف ادامه یافته، بلکه ابعاد و زوایای جدیدی نظیر نوسازی داخلی نیز بر آن افزوده شده است.